



08-03-2018

صالحه واهب واصل

زن سایه سر است نه سیاه سر

دنبال مفهومی در گوگل در حال جستجو بودم که نظرم را این عنوان زیبای (زن سایه سر است نه سیاه سر) به خود جذب کرد. با تأسف نه مربوط به کدام وبسایتی است و نه هم نام نویسنده ای در آن درج است. فقط در فورم پی دی اف در گوگل ظاهر میشود. خواستم به تجلیل از روز هشتم مارچ با شما هموطنان عزیز شریک سازم

در میان مردم ما بیشتر عادت برینست که در هنگام یاد کرد از زنان اصطلاح ((سیاه سر)) را به کار می برند، این کار برد نه تنها خاصه مردانست، بلکه بیشتر زنان، حتی برخی از زنان تحصیلکرده و چیز فهم نیز چنین تعبیری را از زنان به کار می برند. به طور نمونه: مردی میخواهد از رفتن مادر، همسر و دخترش به مهمانی سخن بگوید، این مطلب را چنین بیان میکند: سیاه سران ما به مهمانی رفتند برخی از زنان، مثلاً وقتی میخواهند این موضوع را بیان کنند که: " این چوکی برای خانم هاست " چنین میگویند: " این چوکی برای سیاه سراس است ".

اصطلاح " سیاه سر " کلمه آمیخته ایست از دو کلمه " سیاه " و " سر " که حاصل معنای آن تیره روز، شوم پی و نامیمون است:

این تعبیر را دو دسته اشخاص به کار می برند :

دسته نخستین: کسانی که آگاهانه و عمدی به اساس همان دید زن ستیزانه شان که حقی به زن قایل نیستند و آنان را در مرتبه فروتر از مردان قرار میدهند، اینکه سده ها و سالیان دراز جفاهایی گوناگون بر زنان روا داشته اند یا از این جفاها سرسختانه پشتیبانی کرده اند.

دسته دوم : کسانی که نا آگاهانه بدون توجه به مفهوم این تعبیر به تقلید از زبانزد عامه اصطلاح " سیاه سر " را برای زن به کار میگیرند، بی آنکه بیاندیشند، چه میگویند؟

اکنون در نگی شتابزده ای برین اصطلاح نمایم و ببینیم که کار برد و تعبیر " سیاه سر " برای " زن " در ادبیات دینی و کلتوری ما آیا کمترین توجیهی یافته میتواند یانه؟

1- در فرهنگ اسلامی:

- مبداء پیدایش تمام انسان ها توسعه نسل بشر از دو انسان تختین " آدم و حوا " یا یک مرد و یک زن است که اگر یکی ازین دونمی بود، اصلاً نسل بشر در روی زمین وجود نمیداشت.

- خداوند در قرآنکریم میفرماید " ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را به گروه ها قبیله های گوناگون پدید آوردیم تا همدیگر را بشناسید. حقیقت اینست که گرمی ترین شما نزد خداوند کرامت و تقوا را در پیوند با

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پاډوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپړلو مخکې په څير و لولئ

برتری با تصریح ذکر مرد و زن بیان فرموده، بدون شک حکمت آن تأکید بر رفعت انسانی مقام زن و مرد هم دوست، نه بر بنیاد تنزیل مقام زن یا مرد.

- پیغمبر خدا (ص) فرموده اند ((بهشت زیر قدم های مادران است)) بهیشتی که جایگاه مردان خدا و نکوکاران است، جایگاهی رفیع و والا در زیر قدم مادر قرار دارد که زن است. در احادیث نبوی (ص) این امتیاز بی مانند برای هیچ مردی به هیچ عنوانی داده نشده است که آنحضرت بهشت را در زیر گام یک مرد نهاده باشد.

- همسران پیغمبر خدا یک منبع بزرگ دریافت احکام شریعت اند. پیامبر خدا (ص) تأکید فرموده اند که احکام دین تانرا از قرآن و خانواده من فرا گیرید! میدانیم که پس از رحلت آنحضرت (ص) خانواده باقی مانده از ایشان، خواه همسر و خواه فرزند همه از جنس زن بوده اند.

- نخستین کسیکه پیامبری حضرت محمد رسول الله (ص) را تصدیق کرد و براو ایمان آورد یک زن بود که بیبی خدیجه کبرا نخستین مسلمان است.

زنی که نه تنها به پیغمبر ایمان آورد، بلکه از جوانب مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی روحی و روانی به حمایت و تشویق او همت گماشت و در آغازین لحظات فرود آمدن وحی که پیامبر از ترس به شدت میلرزید، سخنان تسلی بخش و نوازشگر او بود که سبب استواری دل و ران پیامبر (عیله السلام) گردید.

2- در فرهنگ مردم و عنعنات جامعه ما:

- مادر کلمه متبرک و خجسته ایست که هرکسی داشتن حرمت مادر را وجبیه وجدانی و کلتوری خود میداند. هر مرد و زنی که در حیات اجتماعی و فردی به هرسعادت و مرتبتی که نائل میشود، هسته و سرچشمه آنرا از آغوش پرفیض مادر می یابد. ابن سینای بلخی بلندترین ستیغ سلسله کوه دانش و نگارنده بیش از یکصد و پنجاه اثر گرانسنگ روز گاری با دست و پای ناتوان و زبانی بسته چشم نیاز به چشمان مادرش ((ستاره)) دوخته بود و از آغوش رحمت او به سوی شهرت و آوازه برخاست. آزاده مرد خدا دان و عارف نامدار شیخ بایزید بسطامی همه سعادت های دو جهانی خود را ارمغان عنایت یک قطره اشک مهر مادرش میداند.

- خواهر در عرف مردم افغانستان کلمه باشکوهیست که مفاهیم مهربانی، پاکدامنی، صداقت و اعتماد در آن نهفته است. وقتی مردی، دختر یا زنی را خواهر خطاب میکند، دیگر پای هرنوع کج اندیشی و خیانت قطع میشود و الماس صفا و اعتماد به درخشش میآید. همچنان که در معنای ((خواهر)) مهربانی و عاطفه با تمام پهنا و ژرفایش غنوده است.

- در عننه ما، از زن، خواه مادر و همسر، خواه خاله و عمه، یا همسایه، هم محله و هموطن به ((ناموس)) تعبیر میشود. مفهوم عنعنوی ناموس، همان چیز محترم و متبرکیست که برای بقا، سلامت و مصوونیت آن از همه چیز حتی از جان شیرین باید گذشت و از همین سبب همواره کلمه ناموس مرادف دین و وطن به کار برده شده و گفته میشود: ((مادر راه)) حفظ دین، وطن و ناموس سر می دهیم همانگونه که بسیاری از اشخاص به مادر و به ناموس سوگند یاد میکنند، یعنی کلمه مقدس و مورد احترام طرف مقابل را ذکر می نمایند، تا گفته شانرا بی شک و تردیدی بپذیرد.

- در آئین نکاحبندان، لحظاتی که دختری به عنوان عروس به خانه داماد میآید، خانواده داماد مقدم او را چنان گرامی میدارند و به نحو اراد تمندانه ای آمیخته از رنگ آسمایی و اخلاص پذیرائی میکند که گویی فرشته ای از آسمانها فرود آمده است. همچنان که پیرهن و پوشاک او را به گونه فرشتگان می آریند و فال های خوشبختی و بهروزی خانواده را به نخستین گام های خجسته او پیوند روحانی و معنوی می زنند.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

- مردم ما برین باورند که : مرد تا زمانی که ازدواج نکرده است، ناقص و نیمه یک انسانست، مفهوم این پندار اینست که بسیاری از کمال انسانست، در خشش ها مرد درزندگی اجتماعی اش مرهون توجه و مواظبت همسراوست. پس کدبانوی خوب برای شوهرش شریک زندگی، مربی و آموزگار بخشی از زندگی اوست.

سخن در این دو عرصه (دین و عنعنه) بسیار است، ما ناگزیریم برای رعایت گنجایش جایگاه سخن به همین نمونه ها بسنده کنیم.

ازین مثالها بیکه مشت نمونه خروار و برگي از درخت اند درمی یابیم که: بار معنایی ((سیاه سر)) یعنی نگون بخت و شوم پی با این باور های بنیادی و عام جامعه اساساً ساز گاری ندارند. آیا سزاوار است که مادر را ((سیاه سر)) یعنی بدبخت گفت و آیا زینده است، موجودی را که مظهر رحم، رقت و عاطفه است، و آنانی را که از قتل، شکنجه و آزار رسانی بیزار بوده پیشتیبانی صلح و آسایش اند بدبخت و بدشگون بنامیم و این شاهکار آفرینش و بندگان بی آسیب پروردگار را با تعبیری چنین بدبینانه و ظالمانه از لحاظ روانی تلقین حقارت کنیم تامل آنرا نباید که دوشادوش مردان بر سر سفره حقوق طبیعی و اسلامی اش حضور یابد؟

پس نتیجه می گیریم که اصطلاح سیاه سر با معنا های حقار تبارش بنیاد و انگیزه دینی یا عنعنوی ندارد، جز آنکه نمونه ایست از درشتی (خشونت) با زنان که در زبان عامیانه متأسفانه تبارز کرده است.

با دقت در سرچشمه این اصطلاح میتوان به این پندار دست یافت که بار های نخستینی که این تعبیر برای زنان به کار برده شده هدف والایی در عقب آن وجود داشته است که در اصل ترکیب زیبا و شایسته سیاه سر است. زیرا در مفهوم و مدالول این ترکیب مهربانی و غمخواری نهفته است. مادر مهربان برای فرزندش سقفی از رحمت است، بانوی خوب برای شوهرش چتر مهر و وفاست که در سایه آن آرامش و سعادت می یابد. دختر مهر ورز و رووف با نثار صحبت ها برای پدر بیمار و کهنسالش، عروس پاکدل و عطفوف برای خسرو مرد وزن خانواده اش سایه رحمت و شفقت است. به همین سان مادر کلام، خاله و عمه زنانی اند که در عرف دین و فرهنگ ما نماد های مهر و محبت اند ((سایه سر)) نیز همین مفاهیم را می رساند، مگر به بزرگان خود نمی گوئیم که خدا سایه شما را از سر ما کم نکند؟ یعنی از محبت، لطف و نوازش شما بی بهره نشویم.

در فرجام این نگاشته میتوان مدعی شد که تعبیر اصلی و نخستین از ((زن)) همان سایه سر است و بعد به اثر تسلط روز افزون دهنیت های زن ستیز و مخالف حقوق انسانی و اسلامی زن به سیاه سر تحریف داده شده و به تدریج نا آگاهانه از سوی عام مردم به محاوره روز مرده را یافته و دوام پذیرفته است .

بنابراین زن ((سایه سر)) است نه ((سیاه سر)).

برگرفته از گوگل (PDF)

د پانو شمیره: له 3 تر3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ